

**میکائیل دبیانی – بهزاد مهرکش:** «محمدرضا باهنر» سال‌ها نایب‌رئیس مجلس بوده است و در انتخابات دوره گذشته مجلس که بسیاری برای شرکت دوباره و قرار گرفتن در لیست انتخاباتی اصولگرایان تلاش می‌کردند از شرکت در انتخابات امتناع کرد تا نشان دهد شامه سیاسی‌اش همچنان خوب کار می‌کند. باهنر را همواره یکی از افراد محافظه‌کار در سیاست دانسته‌اند اما حالا او محافظه‌کار تر از همیشه به‌گفت‌وگو می‌نشیند. سعی می‌کند بخش زیادی از سوالات را با کلیات جواب دهد و به قول خودش بیشتر رویکردی صحبت می‌کند. باهنر انتخابات را دوران رقابت‌های باشگاهی در سیاست می‌داند که حالا تمام شده و معتقد است دولت روحانی پیشانی تیم‌ملی ما است و باید همه به او دولتش کمک کنند که موفقیت دولت، موفقیت نظام و شکست آن نیز ریزش سر ما به اجتماعی نظام است. با این وجود می‌گوید ۱۰۰ ایراد به دولت روحانی دارد و خودش هم به این رئیس دولت رأی نداده است. باهنر منتقد جریانی است که بحث «استعفا» یا «استیضاح» رئیس‌جمهور را کلید زده‌اند اما تغییرات در کابینه بویژه بخش‌های اقتصادی را ضروری می‌داند.

\*\*\*

■ بگذارید گفت‌وگو را از متن اجتماع شروع کنیم؛ از بحث اعتراضات اقتصادی‌ای که مسوولان هم بر بحر بودن آن تاکید داشتند اما موج‌سواری ضدانقلاب روی آن هم زیاد بود؛ شما چقدر از این اعتراضات را برنامه‌ریزی شده توسط عناصر ضدانقلاب و چه میزان را ناشی از مطالبات مردم می‌دانید؟

ما بعد از اتفاقات دی‌ماه بحث‌هایی را در این‌باره داشتیم و نامه‌هایی را نیز برای برخی مقامات نوشتم؛ با این حال تحلیل برعکسی از اوضاع و احوال جامعه دارم و معتقدم اگر به ۲ سال پیش بازگردیم و یک پایش میدانی را در کشور انجام دهیم، باید بگویم در یک همکاری نانوشته؛ نه رسانه‌های خارجی، بلکه اکثریت قریب به اتفاق تریبون‌های نظام‌گه که یا از خزانه دولت تغذیه می‌شوند یا از امکانات حاکمیتی استفاده می‌کنند و به نوعی بخشی از حاکمیت هستند، متأسفانه ۳ مولفه را در جامعه القا می‌کنند؛ یکی «ناکار آمدی»، دوم «سوءاستفاده» و سوم «بالا بردن مطالبات مردم» و معتقدم رسانه ملی در راس این مسأله است. سلیت‌هایی که برای جریانات مختلف سیاسی هستند نیز همین‌گونه‌اند، البته از وقتی مقام معظم رهبری تدبیری را اندیشیده‌اند و روسای ۳ قوه جلساتی را با یکدیگر دارند، کمی این فضا نرم‌تر شده است، چرا که تا پیش از آن مصاحبه‌ها و بیانات روسای ۳ قوه نیز در مجموع این مولفه‌ها را در جامعه القا می‌کرد، بنده چون مدت زیادی را در مجلس بوده‌ام، جلسات علنی مجلس را از طریق رادیو دنبال می‌کنم و از همان ابتدا تا پایان جلسه نمایندگان تنها یا می‌گویند «مسوولان توانایی ندارند و ناکار آمد هستند» یا می‌گویند «زردی شده و اموال غارت شده» یا عنوان می‌کنند «مرد چرا فریاد نمی‌زند تا حق‌تان را بگیرد» و این صحبت‌ها نیز همان بحث‌ها را القا می‌کند. این بحث البته به معنای آن نیست که در کشور مشکل وجود ندارد! مشکلات داریم، مشکلات جدی هم داریم اما مسأله این است که واقعیت با احساسات مردم همیشه منطبق نیست. به عبارت دیگر شاید در منطقه‌ای امنیت وجود داشته باشد ولی مردم احساس امنیت نکنند یا در منطقه‌ای رفاه وجود نداشته باشد اما مردم احساس رفاه کنند و برعکس. حاکمیت مسوول هر دو مسأله است و نمی‌تواند بگوید من مسوول پارامترهای واقعی هستم، بلکه باید احساس مردم را نیز درست کند، چون چند مشکلات کشورمان زیاد است اما احساس مردم از مشکلات چندین برابر مشکلات است. ما هنوز نتوانستیم احساس مردم را به واقعیت موجود نزدیک کنیم. در حقیقت ما به طور مرتب القای ناکار آمدی و سوءاستفاده می‌کنیم و برخورد‌های مان نیز شفاف و روشن نیست.

■ بالاخره بخشی از وضع موجود ناظر به ناکار آمدی‌ها و نارسایی‌هاست؛ درست است؟

ناکارآمدی که پارامتری صفر و صدی نیست که بتوانیم بگوییم ناکار آمد یا کار آمد بوده است، اصلا ناکار آمد یا کارآمد را نسبت به چه چیزی باید مشخص کنیم؟

■ به‌طور نسبی در این‌باره صحبت کنید.

این را در ابتدا بگویم من به روحانی رأی ندادم و صد تا انتقاد جدی هم به دولتش دارم اما من می‌گویم اگر در شرایط موجود مثلا محمدرضا باهنر رئیس‌جمهور بود، با روحانی که الان رئیس‌جمهور است، وضعیت چه تفاوت‌هایی داشت؟ البته امثال من که در میدان عمل نیستیم ادعاهای زیادی می‌توانیم داشته باشیم اما می‌گویم شاید مقداری بهتر یا بدتر بودا بنده یک

تعبیر دیگر سیاسی، فرهنگی و اعتقادی دارم و معتقدم ما در زمان انتخابات تیم‌های مان باشگاهی است و تیم‌های مثلا فرمز و آبی، نفت تهران، فولاد مبارک سپاهان و… داریم و هر کسی هم می‌تواند طرفدار تیم خودش باشد اما زمانی که رئیس‌جمهور، مستقر می‌شود، دیگر تیم‌ملی داریم و همه باید به او کمک کنند، چرا که معتقدم اگر رئیس‌جمهور موفق نشود، نظام موفق نشده است.

■ شما عنوان کردید تفاوت بین واقعیت و احساس زیاد است؛ این تفاوت ناشی از تفاوت بین انتظارات و امکانات است؟ به نظر نمی‌رسد مسوولان در این مسأله بیش از همه مقصرند؟

بله! البته این مشکل مناسبتی ما است، البته این نظر شخصی بنده است که اینجا چیزی به عنوان «مدیریت افکار عمومی» وجود ندارد و یک عده علیه قوهقضائیه، یک عده دیگر علیه دولت و هر دو علیه مجلس صحبت می‌کنند، در مقابل نیز مجلس علیه همه حرف می‌زند؛ اگر این به صورت رگولاتوری بود و طرحی در این زمینه وجود داشت، وضعیت مطلوب بود. ما نه‌تنها توانایی مهندسی افکار عمومی را نداریم، بلکه به دلیل نداشتن کنی مدیریت و مهندسی درست در این حوزه، فکر می‌کنیم افکار عمومی را علیه هم تهییج می‌کنیم، در حالی که در نهایت افکار عمومی علیه همه‌مان تهییج می‌شود.

■ دقیقا نکته اینجاست که اگر سیستم تنظیم افکار عمومی وجود داشت دیگر رئیس‌جمهور هنگامی که بازار آشفته است، نباید رفتاری کند که این فشارها بیشتر شود و به‌طور مثال رفتن او در آن وضعیت به توجال‌انگاری یا افکار عمومی بیشتر کردن حرف‌تان درست است؛ بنده اصلا از عملکرد تک‌تک مسوولان و خود دفاع نکرده‌ام و اگر در فضایی باشیم که بدانم آسیب

## گفت‌وگوی «وطن امروز» با محمدرضا باهنر درباره وضعیت این روزهای دولت و مجلس

# کابینه اشتباهی!

**اگر من رئیس‌جمهور بودم از همان روز اول این افراد را نمی‌گذاشتم که الان بخواهم آنها را تغییر دهم**

**ما «تک‌مجلسی» نمی‌توانیم کشور را اداره کنیم**



رو همه می‌دانند روحانی باید در دولت خانه‌تکانی انجام دهد، البته بحث ما بحث حمایت و کمک به دولت است، نه چوب لای چرخ دولت گذاشتن.

■ بگذارید به سؤال اول بازگردیم. شما معتقدید رسانه‌ها توقعات جامعه را بالا برده‌اند و ریشه نارضایتی‌ها این است؛ آیا با انکار شرایط وضعیت تغییر می‌کند؟ مثلا عده‌ای می‌گویند مشکل خاصی در کشور نیست اما این حرف باز وضعیت بدتر می‌شود. از لحاظ جناحی خیال‌تان را راحت کنیم؛ این اتفاقی که امروز در ارز رخ داده در دوره دوم هاشمی و در دوره خاتمی ضعیف‌تر و در دوره دوم احمدی‌نژاد هم رخ داد و امروز هم شاهد آن هستیم، حال شما فکر می‌کنید این اتفاق تقصیر روسای‌جمهور است؟ کدام‌یک از آنها مقصر است، اگر روحانی مقصر است، احمدی‌نژاد به مراتب بیشتر مقصر است، خاتمی و هاشمی هم مقصر هستند. این اتفاق ترکیدن قیمت زمان هاشمی هم رخ داد و او رکورد تورم را در سال ۷۴ زد که تورم شد ۴۹/۵ درصد، خاتمی وضعیت بهتری داشت و در دوران احمدی‌نژاد نیز ارز ۱۲۰۰ تومانی به بالای ۳ هزار تومان رسید؛ حال من از شما سوال می‌کنم؛ این مسأله تقصیر اصلاح‌طلبان است یا اصولگرایان؟

■ اصلا موضوع بر سر اصلاح‌طلب یا اصولگرا نیست.

بنده می‌گویم ما یک رگولاتوری متمرکز در کشور نداریم. رهبری سیستم دفاعی و امنیتی را مستقیما فرماندهی می‌کنند اما سیستم اقتصاد، فرهنگ و سیاست را توصیه می‌کنند و آنجایی که رسما فرماندهی می‌کنند بهترین وضعیت را از لحاظ امنیتی، دفاعی و اطلاعاتی داریم اما در اقتصاد که رهبری بارها عنوان کردند اقتصاد مقاومتی، وضعیت اینگونه نیست، حال شما تصور می‌کنید دولت نمی‌خواهد اقتصاد مقاومتی اجرایی شود؟ من می‌گویم رگولاتوری در این حوزه وجود ندارد و این مسأله به ساختارها بازمی‌گردد و همانش نیز به من

باهنر و اما من باز می‌گردد. امروز بسیاری از مشکلات کشور ما مشخص است که ۸ یا ۹ علت دارد و علت‌ها ۳ بعد دارد که بخشی از آن «ساختاری»، بخشی «ویکردی» و بخشی نیز «عملکردی» است. درباره مشکلات ساختاری، مجلس را مثال می‌زنم. ما کشورمان را با یک مجلس آن هم با این ساختار نمی‌توانیم اداره کنیم و این مسأله را بارها و بارها عنوان کرده‌ام. ■ منظور شما از تغییر در قانون اساسی است؟

خیرا ما در ۳ فاز می‌توانیم این مسأله را حل کنیم، البته در برخی موارد قانون اساسی باید اصلاح شود ولی الان شرایط را برای این کار مناسب نمی‌دانم. ما «تک‌مجلسی» نمی‌توانیم کشور را اداره کنیم و اصلا فرض کنیم همه نمایندگان متدین، پاکدست و… باشند، باز هم تنها می‌توانند به دنبال منافع منطقه‌ای باشند و اصلا منافع ملی در مجلس متولی ندارد. نکته دوم اینکه اگر مجلسین شود، وضعیت درست می‌شود؟ باز هم معتقدم وضعیت درست نمی‌شود و حتما باید نظام سیاسی ما نظام حزبی شود و این مسائل اتفاقات شخصی بنده است و بعد از اینکه «دومجلسی» می‌شویم؛ مجالس‌مان باید حزبی و دولت‌مان نیز باید حزبی شود، البته باید تعریفی از حزب داشته باشیم و احزاب وجود داشته باشند. یک عده در کشور مان بویژه در دوران اصلاحات تصور می‌کردند با حزب می‌توان در مقابل نظام ایستاد، باید تکلیف آنها را مشخص کرد. حزب باید در چارچوب سیاست‌های کلی نظام باشد و اگر حزبی خواست از آن چارچوب خارج شود، باید با آن برخورد امنیتی شود اما در چارچوب نظام باید مجالس و دولت‌های‌مان حزبی باشد. ببینید!

مگر نباید نقشه‌ را در کشور را مجلس مشخص کند؟ مجالس بسیاری داریم به‌طور مثال مجلس هفتم تمام شد و مجلس هشتم روی کار آمد اما خط و مسیر تغییر نکرد! جالب اینجاست که تمام اعضای برنامه و بودجه هم تغییر می‌کردند. مرحوم

گفت‌وگوی

روشن که یک زمانی نایب‌رئیس مجلس بود، می‌گفت یک عده از نمایندگان تا می‌آیند اسم خیابان‌های تهران را یاد بگیرند دوره نمایندگی‌شان تمام می‌شود و اصلا نمی‌دانند کجا آمده‌اند و چه وظیفه و مسئولیتی دارند و مجالس ما از هم منقطع است و این مسأله حتی در مجالسی که با یکدیگر هم‌خط هم بوده‌اند، وجود دارد. دولت‌ها هم از یکدیگر منفصل هستند و دولت‌هایی که روی کار می‌آیند، دوره اول کار دولت قبلی را خنثی می‌کنند و دوره بعدی کارهایی را انجام می‌دهند که دولت بعدی باید آنها را خنثی کند، در حالی که احزاب برای ۵۰ سال آینده کشور باید برنامه داشته باشند ما کشورهایی را داریم که احزاب بالا و پایین شده‌اند و حتی کودتا هم شده است ولی سیاست راهبردی خود را ۵۰ سال ادامه داده‌اند اما برای ما تغییر دولت‌ها سیاست‌های راهبردی هم تغییر می‌کند. هیچ کشوری با چنین وضعیتی نمی‌تواند اداره شود، در واقع یکسری از اشکالات ما ساختاری است. اشکال دوم ما رویکردی است. ببینید! «هاهاتیر محمد» برنامه ۴۰ ساله برای کشور مالزی داشت و طی آن دولت موفقیت داشت و در عملکرد برنامه‌های بسیار خوب عمل می‌کرد. او می‌گفت ما قبل از ۱۹۸۰ اصلا جنگل‌نشین بودیم و اگر به ما اینگونه می‌گفتند اصلا به ما بر نمی‌خورد. اما بعد از آن اقتصاد کشور را متحول کرد. او یک کتاب خاطرات دارد که در آن یک جمله بسیار زیبا هست؛ می‌گوید: «اگر در حکومت کردن موفق بوده‌ام برای آن است که همیشه منافع مردم را بر رضایت مردم ترجیح داده‌ام». خیلی اوقات منافع درازمدت مردم با رضایت فعلی آنها در تضاد است. ما در طول این ۴۰ سال همیشه برعکس این جمله را انجام داده‌یم، یعنی همیشه رضایت مردم را بر منافع‌شان ترجیح داده‌ایم؛ یک روز گفته‌ایم انتخابات، اعزاز به جبهه، راهپیمایی روز قدس، راهپیمایی ۲۲ بهمن و… را داریم و همیشه گفته‌ایم مردم را راضی نگه داریم. جالب اینکه نتوانستیم مردم را نیز راضی نگه داریم و بسیاری از منافع ملی را فدای رضایت کوتاه‌مدت مردم کردیم که جواب هم نداده است. در بحث انرژی، از لحاظ شدت مصرف انرژی در رده ۳ یا ۴ جهان قرار داریم. عربستان روزی ۱۲ میلیون بشکه نفتی شدت مصرف انرژی‌اش از ما کمتر است؛ در برخی موارد برای تحقق یکسری اهداف ممکن است مردم عصبانی شوند اما منافع طولانی‌مدت در آن وجود دارد ولی هیچ‌کس آن را اجرایی نمی‌کند. در بحث عملکرد دولت، البته منظور قوه مجریه است؛ دولت ۳۰ عضو دارد که ۲۵ نفر از آنها خودشان را مسوول هزینه می‌دانند و مابقی مسوول درآمدهای، خب! وضعیت مشخص است. وزیر بهداشت می‌گوید به من پول دهید تا طرح تحول سلامت را اجرا کنم، وزیر آموزش‌وپرورش می‌گوید پول دهید تا حقوق معلمان را بدهیم و… و همه وزرا از دولت پول می‌خواهند و ۳ مسوول مالیات، نفت و اقتصاد باید درآمدزایی داشته باشند. ما یک کیک داریم به عنوان لایحه بودجه که باید آن را بین همه تقسیم کنیم. این کیک یک کیلوگرم وزن دارد ولی ما یک و نیم کیلوگرم کیک! این بین دستگام‌های اجرایی تقسیم می‌کنیم و ۵۰ درصد بودجه‌مان همیشه کسری است. پس اشکالاتی که گفتیم هم ساختاری، هم رویکردی و هم عملکردی است که آنها را باید با کمک هم برطرف کنیم. البته بسیار امیدوارم از تومهدی که مقام معظم رهبری اندیشیده‌اند و عنوان کردند روسای ۳ قوه مشاوران نزدیک خود را بیاورند و با یکدیگر تصمیم بگیرند. اگر دولت بگوید قوهقضائیه نمی‌گذارد و قوهقضائیه بگوید دولت نمی‌گذارد و مجلس هم بگوید هر دو ناکار آمدند، وضعیت می‌شود همین‌که امروز شاهد آن هستیم. ■ درباره مجلس صحبت کردید و اینکه هر روز هم مباحث مجلس را گوش می‌کنید. الان شرایط فعلی مجلس را چطور ارزیابی می‌کنید؟

مجلس الان حال خوبی ندارد و علتش هم آن است که مجلس ۳ فراکسیون غیراکثریت دارد در حالی که همیشه ما عموما ۲ فراکسیون اکثریت و اقلیت داشتیم و اکثریت مسوولیت می‌پذیرفت ولی الان مجلس ۳ فراکسیون است و ۴ وزیر را با هم استیضاح می‌کند و هیچ اتفاقی نیز نمی‌افتد. مشکل اصلی این است که نماینده مجلس مسوول مشکلات منطقه است و اساسا منافع ملی که کارکرد اصلی نمایندگان است رهاست؛ حتی نمایندگانی که در مجلس برای منافع ملی فریاد می‌زند اصلا در دوره بعدی رأی نمی‌آورند و ما نمی‌توانیم از مجلس توقع غیرعادی داشته باشیم. شخصی از

بنده درباره عملکرد مطهری و پزشکیان سوال کرد؛ پاسخ دادم

اگر می‌خواهید پزشکیان سال اول نایب‌رئییی را با باهنر سال دوازدهم نایب‌رئییی مقایسه کنید، کاری اشتباه است اما اگر می‌خواهید پزشکیان سال اول را با باهنر سال اول مقایسه کنید، بسیار خوب عمل می‌کند.

■ به نظر شما اگر مجلس جدی‌تر ورود کند، وضعیت بهتر می‌شود؟ مثلاً در بحث استیضاح‌ها اگر جدی‌تر وارد شود، تغییری رخ خواهد داد؟

خیر! اینگونه نیست. نکته اول آن است که الان ساختار مجلس ۳ فراکسیون شده است در حالی که باید ۲ فراکسیون از منافع خود عدول کرده و یکی شوند تا دوباره ساختار مجلس ۲ فراکسیونی شود و می‌دانید که در دنیا دولت‌های ائتلافی ضعیف‌ترین دولت‌ها هستند و الان مجلس ما ائتلافی است.

■ سؤال ارحمان درباره نسبت آقای علی لاریجانی و آقای روحانی است؛ از شما می‌پرسم چون شما به آقای لاریجانی نزدیک هستید و می‌دانید او برای خود یک چشم‌انداز سیاسی در نظر گرفته است؛ الان که حتی حامیان دولت هم تلاش می‌کنند نوعی فاصله با روحانی را به جامعه القا کنند، آیا حمایت‌های همه‌جانبه لاریجانی از دولت روحانی، به چشم‌انداز مطلوب لاریجانی آسیب‌وارد نمی‌کند؟

لاریجانی فعلا پیش از آنکه یک کششگر سیاسی باشد رئیس مجلس است اما اینکه ما از الان حدس بزنیم در دوره آینده برای ریاست‌جمهوری چه اقداماتی باید انجام شود، هنوز خیلی زود است؛ سبب سیاست وقتی به بالا پرتاب می‌شود، بیش از هزار چرخ می‌خورد و برمی‌گردد. دقت کنید که ۳ رئیس‌جمهور اخیر ما یک ماه قبل از انتخابات پا گرفته‌اند و جدی شده‌اند، پس از حالا نباید در آن باره تصمیم گرفت.